



◀ معاودین عراقی در کاهش تنش در این کشور چطور به ایفای نقش می‌پردازند؟

حین جنگ و با قرارگاه رمضان تشکیلات نظامی مجاهدین عراقی در ایران درست شد. یعنی در جنگ ایران و عراق، ابتدا عده‌ای از مجاهدینی که از عراق فرار کرده بودند و آمده بودند ایرانی یا مدتی قبل از شروع جنگ ایران و عراق یا در حین جنگ اینها خودشان داوطلبانه آمدند و ارد سپاه شدند و اول به صورت نفرات بودند. ولی بعد آهسته آهسته در قالب دسته و گروهان و گردان سازماندهی شدند تا به مرحله تیپ رسیدند. آنها ابتدا با عنوان تیپ بدر فعالیت کردند. تقریباً سال‌های ۶۳ و به بعد بود که به این استعداد رسیدند. مجدداً به نیروهای اینها افزوده شد. اینها دو گروه بودند که لشکر بدر شدند. در ادامه یک گروه مجاهدین بودند یعنی کسانی که با رژیم صدام مبارزه کرده بودند و بعد تحت تعقیب قرار گرفتند، فرار کرده و آمده بودند ایران. یک گروه اسرایی بودند که در اردوگاه‌های ایران متحول شده بودند و خودشان اعلام آمادگی کرده که می‌خواهند در نبرد با رژیم صدام شرکت کنند. به این دو گروه احرار گفته می‌شد یعنی مجاهدین و احرار از ترکیب اینها لشکر بدر درست شد و مجدداً آنها زیر نظر قرارگاه رمضان ارتقا پیدا کردند. نیروهای بیشتری وارد اینها شدند و به آنها بخصوص از احرار پیوستند. دیگر در سال‌های پایان جنگ به عنوان سپاه بدر شناخته شده بودند که در عملیات مرصاد هم به عنوان آخرین عملیات جنگ ایران و عراق آنها حضور داشتند و شهید دادند. این نیرو در بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲ حفظ شد. وقتی که صدام ساقط می‌شد و امریکایی‌ها به سمت بغداد حرکت کردند، قبل از اینکه آنها کامل بر بغداد مسلط بشوند این نیروها به مرور وارد عراق و بغداد و شهرها شدند و مقرهای خودشان را به اسم مجلس اعلام مستقر کردند، این نیرو که چند هزار نفر بودند در اختیار شیعه بود. همزمان توسط طیف صدر هم یک نیروهایی شکل گرفت بعد از سقوط صدام به عنوان جیش‌المهدی شناخته شد و آنها هم یک بخشی از نیروها بودند.

اما در زمانی که حمله داعش صورت گرفت، چون تهاجم بسیار گسترده بود با فتوای آیت‌الله سیستانی خوشبختانه هجوم وسیع مردم عراق به سمت جبهه‌ها رخ داد. برای اینکه نیروهای مردمی بتوانند وارد میدان‌های نبرد بشوند، باید سازمان پیدا کنند و آموزش داده و تجهیز بشوند. این کار بخش عمده‌اش توسط سردار سلیمانی و فرماندهان مجاهد عراقی که از قبل بودند مثل شهید ابومهدی المهندس و آقای حسن العامری انجام گرفت. یعنی در واقع این سازماندهی و سازماندهی توسط این گروه انجام شد. سازماندهی هزاران نفر کار ساده‌ای نیست ضمن اینکه باید یادآور بشوم این کار تنها سازماندهی محض نبود بلکه مباحث مهمی مثل آموزش، تجهیز، تدارکات و لجستیک در حین حضور در صحنه نبرد را نیز شامل می‌شد، یعنی این امریک کار بزرگ بود که صورت گرفت و واقعاً همه این برادرها از جمله سردار سلیمانی هم تدابیر بسیار خوبی در این قضیه داشتند و هم فدکاری کردند. خیلی زحمت کشیدند. زحمات بسیار زیاد تا این سرمایه بزرگ ایجاد شد که امروز در اختیار مردم

سیستانی و رهبر معظم انقلاب بود که فضای عراق را آرام کرد. آن توفعی که دشمن داشت تا بین مسلمان‌ها یک کشتارهای عظیمی رخ بدهد خوشبختانه مدیریت و کنترل شد و اتفاق نیفتاد. فشارها خیلی سنگین بود. فشارهای تروریستی، ناامنی و اینها در بغداد و در شهرهای مختلف. این در حالی بود که طبیعتاً هنوز حکومت جدید نه سازمان اطلاعاتی قدرتمندی داشت، نه سازمان عملیاتی قدرتمندی. این وضعیت به مرور به سمت نظامی رفت یعنی از امنیتی به سمت نظامی رفت. اولین شهری که مورد حمله نظامی قرار گرفت و اشغال شد فلوجه بود. این اتفاق مربوط به پاییز سال ۹۱ است، ارتش عراق در این دوره با بازگشتی که یعنی با بازگشتی که شدت آلوده شده بود. با وجود اینکه به بسیاری از دوستانی که آن وقت در رأس امور بودند، تذکر داده شد که به یعنی با اعتماد نکنند و در ارتش و در دستگاه اطلاعاتی و امنیتی آنها را وارد نکنند. ولی متأسفانه با یک تحلیل به نظر اشتباه این کار را کردند. دشمن وقتی دید که دولت و ارتش عراق یا توانایی ندارد یا نمی‌خواهد یک شهر مثل فلوجه را پس بگیرد، آن وقت بود که هوس کرد و حریص شد به سمت استان‌ها. استان موصل و الرمادی و همین‌طور استان صلاح‌الدین به مرکزیت تکریت مورد حمله قرار گرفت. این داستان داعش پیرو این است. یعنی اگر دولت عراق و ارتش عراق در زمان اشغال فلوجه بلافاصله وارد عمل می‌شدند و نیروهای داعشی را که در فلوجه بودند سرکوب می‌کردند، دشمن جرأت نمی‌کرد تک خودش را ادامه بدهد. این اتفاقات با گرای دولت عراق، با ناتوانی، با ضعف در درک شرایط رخ داد و شرایط خطرناک شد و اینجا بود که لازم بود ایران با سرعت به برادران خودش در عراق کمک کند و این کار صورت گرفت. فتوای مرجعیت ورق را کامل عوض کرد. به مردم روحیه داد که ایستادگی کنند و جوان‌ها از سراسر کشور به سمت جبهه‌های جنگ عراق بسیج شدند. اینجا دیگر سردار سلیمانی واقعاً با حضور میدانی خودش و خدارحمت کند شهید ابومهدی و آقای ابوحسن العامری که ان‌شاءالله خداوند ایشان را حفظ کند و سایر مجاهدینی که می‌شناسیم در کنار ارتش عراق به مبارزه پرداختند. بعد داعش در یک مرحله به اربیل می‌خواست حمله کند که باز تهاجم آنها خنثی شد در تمام دوره حضور داعش شاهد بودیم که اینها آمدند و ادعای خلافت کردند. می‌توانم بگویم همه کشورها از اینها حمایت می‌کردند. همان جوری که از تروریست‌ها حمایت کردند. حتی بعضی از کشورهایی که انتظار نبود، در مرحله حمله تروریست‌ها به داخل خاک عراق، آنها هم همراهی داشتند اما آنها بعداً خودشان هم گرفتار شدند. تنها ایران بود که صادقانه هم در مبارزه با تروریست‌هایی که ناامنی ایجاد می‌کردند و هم در جنگ نظامی که علیه داعش بود، در کنار مردم عراق ایستاد، زحماتی که سردار سلیمانی چه در عراق و چه در سوریه کشید واقعاً قابل محاسبه دنیایی نیست. طبیعتاً اجر ایشان با خداوند است و ایشان الان در نزد پروردگار منتعم هستند، ان‌شاءالله. ایشان به صورت شبانه‌روزی هر کاری از دستش برمی‌آمد کرد یعنی وقتی هم به تهران می‌آمد تمام پیگیر این بود که آمادگی بیشتری فراهم کند برای مبارزه با داعش. در نقشه‌های داعش دیدیم که آنها تنها قانع به اشغال سوریه و عراق نبودند. آنها بنا داشتند هم در قسمت غرب و جنوب و هم در قسمت شرق قلمرو خود را توسعه بدهند. بعضی‌ها تصور می‌کنند، داعش فقط هدفش ایران بوده. داعش خلافت خودش را در موصل اعلام کرد. یعنی بنای آنها این بود سوریه را اشغال کنند، عراق را اشغال کنند و بعد به ایران حمله کنند. اینکه امیر برای خراسان بزرگ گذاشته بودند، این ادبیات را نگاه کنید، یعنی چه؟ خراسان بزرگ؟ آنها به قول خودشان می‌خواستند یک امارت اسلامی جدیدی درست کنند و این نبود که مثلاً ما بخواهیم عراق و سوریه را هزینه دفاع از ایران کنیم بلکه آنها بعد از پیروزی احتمالی در عراق و سوریه می‌خواستند به ایران هم حمله کنند. ولی وقتی در آنجا سرکوب شدند هم ایران حفظ شد. بدین ترتیب هم عراق و هم سوریه نجات پیدا کرد.

فتوای مرجعیت ورق
را کامل عوض کرد.
به مردم روحیه داد
که ایستادگی کنند
و جوان‌ها از سراسر
کشور به سمت
جبهه‌های جنگ
عراق بسیج شدند.
اینجا دیگر سردار
سلیمانی واقعاً
با حضور میدانی
خودش و خدا
رحمت کند شهید
ابومهدی و آقای
ابوحسن العامری که
ان‌شاءالله خداوند
ایشان را حفظ کند و
سایر مجاهدینی که
می‌شناسیم در کنار
ارتش عراق به مبارزه
پرداختند